

صاحب‌دلان - ۹

کتاب هاشمی نژاد

روایت زندگی

حجت الاسلام مهدی سیدعبدالکریم هاشمی نژاد

مقدمه حسینی

سرشناسه: حسینی، سمیه، ۱۳۵۹ -

Hussini, Somaych

عنوان و نام پدیدآور: کتاب هاشمی نژاد:

روایت زندگی حجت الاسلام شهید سید عبدالکریم هاشمی نژاد / سمیه حسینی

مشخصات نشر: تهران: خیمه، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۱۸۲ ص: مصور: ۱۹×۲۹/۵ س.م.

فروست: صاحب‌دلان ۹۴.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۵۴-۳۳-۳

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: نمایه

عنوان دیگر: روایت زندگی حجت الاسلام شهید سید عبدالکریم هاشمی نژاد

موضوع: هاشمی نژاد، عبدالکریم، ۱۳۱۱ - ۱۳۶۰. -- سرگزشتنامه

موضوع: مجتهدان و علما -- ایران -- سرگزشتنامه

موضوع: Ulama -- Iran -- Biography

بندی کنگره: ۱۳۹۵ ج ۵ / ۳ / ۲ BP۵۵

رده‌بندی دیوئی: ۹۹۸/۲۹۷

شماره کتابشناسی ملی: ۳۳۲۸۶۲۶



صاحب‌دلان ۹ کتاب هاشمی نژاد

سمیه حسینی

طرح جلد و صفحه‌آرایی: محمد صمدی

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۵

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۵۴-۳۳-۳

صنلوق پستی: ۱۹۴۱-۱۵۱۸۱۵

مراکز پخش / خیمه: ۷۱-۸۸۹۳۴۹۷۰-۲۱ آفتاب پنهان: ۰۹۱۹۲۵۱۱۰۳۶

هر گونه اقتباس از مطالب کتاب، منوط به اجازه‌ی کتبی ناشر است.

www.nashrekheime.ir

در آمد

کاتب بروزو و امروز نیست. مردمان این دیار، قرن هاست
دل در گرو حسین علیه السلام بسته‌اند و بر مصیبت شهادت
او و فرزندان و سالانش گریسته‌اند. قرن هاست محرم که
می‌رسد، حال و آسایش عوض می‌شود، ابر غم می‌آید به
آسمان دل‌شمار و هم‌شان رانی می‌شود. قرن هاست با نام
حسین علیه السلام زیسته‌اند و در روز عاشورا نمک زندگی‌شان شده
است و مایه‌ی برکتش. و صاحب‌دلان، روایت مردانی‌ست
که شعله‌ی این مهر و محبت را پر فراغ کرده‌اند، مردانی
که شور آفریده‌اند و به مجالس کرامت علیه السلام گرمی
بخشیده‌اند. هر کدام به شکلی و هر یک به سببی، یکی با
ذکر مصائب و روضه‌خوانی، یکی با وعظ و تذکر، یکی
سرایش مرثیه و نوحه. یکی با هنرش، یکی با علمش، یکی
با ذوقش. صاحب‌دلان، روایت زندگی عاشقان و خادمان
و دستگاه آقا اباعبدالله علیه السلام است.

مقدمه

در سرزمین زمانه، از اول تاریخ، همیشه قصه‌ای شبیه هم داشته‌اند؛ قصه‌ی پسرهایی از عشاق خالی و منتظر که «بود کز طرفی مردی از خویش بر روی آب در کاری بکند».

عبدالکریم هاشمی نژاد بدجوری مرد زنده‌اش بود. از آن مردهایی که از خودش بیرون زده بود و در پی کار بود؛ روز و شب و شب و روز. مرد روزگاری بود که برای روبه‌راه شدن سر نیز و زبان سرخ می‌طلبید، و او هر دوی این‌ها را داشت.

سر سبزش پر از فکر و اندیشه بود و دغدغه‌اش به اندیشه وابسته بود. آدم‌ها؛ دغدغه‌هایش مثل خیلی از ماها فقط در ذهن و بهیئت آمدن دل‌هایش نبود، بلکه از او یک انقلابی تمام‌عیار ساخته بود. انقلابی‌ای که جنس مبارزه‌اش باز از جنس تفکر بود؛ جلسه‌های سخنرانی، کانون بحث و انتقاد دینی و کتاب‌هایی که می‌نوشت. کانون بحث

و انتقاد دینی که او راه انداخته بود، خیلی زود پاتوق جوان‌ها شد. عبدالکریم هم سواد جواب‌دادن را داشت و هم شجاعتش را. هر چند او دنبال جواب‌دادن نبود؛ بیشتر از آن می‌خواست آدم‌ها سنوآل داشته باشند، پرسشگر باشند، فکر کنند و پیرسند.

زیان سرخس جوان‌ترها را می‌کشاند پای حرف و بحثش؛ صریح و بدون سیرا. و به‌خاطر همین صراحت، بارها ممنوع‌المنبر شد و چهار پنج بار به زندان افتاد.

او همان‌قدر که یک مبارز سیاسی بود، یک عالم دینی هم بود. اصلاً مبارز سیاسی نبود، عین عالمیت دین‌اش بود. و این را از عنوان کتاب‌هایش می‌توان دریافت. او مصداق «سیاست عین دیانت» و «دیانت عین سیاست» بود. چیزی که برایش مهم بود، خط اصیل و ناب اسلام بود. ترجیح می‌داد که در این خط اصیل می‌دید، ساکت نمی‌نشست. این انحراف از هر مبنایی که بود، برایش فرقی نمی‌کرد؛ خطر مارکسیست‌ها و کمونیست‌ها همان‌قدر برایش اهمیت داشت که خطر مرتجعین.

آن چیزی که برایش اصالت داشت، رسالتی بود که برای خودش قایل بود و حاضر نبود حتی یک قدم از آن کوتاه بیاید؛ رسالت روشنگری. عقل و منطق و استدلال جزء جدانشدنی کلامش بود و همین، اثر کلامش را عمیق می‌کرد.

خطیب، دانشمند، مبارز، جوانمرد، فاضل؛ این‌ها همه صفت‌هایی

است که عبدالکریم هاشمی نژاد را به آن‌ها متصف کرده‌اند. نه از سر تعارف، بلکه از سر دقت در توصیف. آدم‌های دقیقی توصیفش کرده‌اند. آدم‌هایی مثل امام خمینی. شاید چون مرگش هم نشانه‌ای از همه‌ی این‌ها داشت؛ از اندیشه‌اش، حکمتش، مبارزه‌اش، کلامش، اثر کلامش و در نهایت عشقش به اجداد طاهرش.